

سعدی

شیخ مصلح‌الدین مشرف بن عبدالله مشهور به سعدی شیرازی در حدود سال‌های ۵۷۱ تا ۶۰۶ هجری قمری به دنیا آمد و در حدود سال‌های ۶۹۰ تا ۶۹۵ درگذشته است.

بوستان و گلستان دو کتاب سعدی از مفاخر ادبی زبان فارسی است که در آن‌ها مضامین اخلاقی را با زبانی شیرین بیان می‌کند.

این شاعر بزرگ دوستدار پیامبر و اهل بیت گرامی ایشان بود.

اشعاری که مشاهده می‌کنید نمونه‌ای از اشعار سعدی درباره حضرت علی(ع) و مقام و منزلت ایشان، واقعه غدیر خم، حضرت زهرا(س) و خاندان عصمت و طهارت است.

رونقی کان دین پیغمبر گرفت

از امیر مؤمنان حیدر گرفت	رونقی کان دین پیغمبر گرفت
ز آهن او سنگ، موم نحل شد	چون امیر نحل، شیر فحل
ز آن که علمش نوش و تیغش نیش بود	میر نحل از دست و جان خویش بود
کس نبیند پشت من در حربگاه...	گفت: اگر در رویم آید صد سپاه
وز خداوند جهانش «هل اُتی» است	"لا فتی إلّا علی"ش از مصطفی است
وز سه قرصش «هل اُتی» آمد پدید	از دو دستش «لا فتی» آمد پدید
سرنگون آمد دو قرص مهر و ماه	آن سه قرص او چو بیرون شد به راه
گر برادرشان نگویی، چون بود؟...	چون نبی موسی، علی هارون بُود
قلب قرآن، «یا» و «سین»، زین آمده است	او چو قلب آل یاسین آمده است
"وال من والاه"، اندر شأن اوست	قلب قرآن، قلب پُر قرآن اوست
کرم پیشه شاه مردان علیست	جوانمرد اگر راست خواهی ولیست

(متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، ص ۲۰۳)

شیخ اجل سعدی در جای دیگر می گوید:

کس را چه زور و زهره که وصف <u>علی</u> کند	جبار در مناقب او گفته <u>هل اتی</u>
زورآزمای <u>قلعه خیبر</u> که بند او	در یکدگر شکست ببازوی لافتی
مردی که در مصاف زره پیش بسته بود	تا پیش دشمنان ندهد پشت بر غزا
شیر خدای و صفدر میدان و بحر جود	جانبخش در نماز و جهانسوز در وغا
دیباچه مروت و سلطان معرفت	لشکرکش فتوت و سردار اتقیا
فردا که هر کسی بشفیعی زنند دست	مائیم و دست و دامن <u>معصوم مرتضی</u>
<u>پیغمبر</u> آفتاب منیرست در جهان	وینان ستارگان بزرگند و مقتدا
یا رب بنسل طاهر اولاد <u>فاطمه</u>	یا رب بخون پاک <u>شهیدان کربلا</u>
یا رب بصدق سینه پیران راستگوی	یا رب به آب دیده مردان آشنا
دلهای خسته را بکرم مرهمی فرست	ای نام اعظمت در گنجینه شفا

(متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، ص ۶۸۰-۶۷۹)